



**گزارش نشست «مذاکره و آتش بس
در گفتمان رهبری؛ از اصل حفظ نظام تا
راهبرد وحدت و گنجش گری مسئولانه»**

علی رضا کریمی ✓



جبهه استکبار» تحلیل کرد. وی - با تأکید بر اینکه آمریکا فقط یک رقیب سیاسی معمولی نیست، بلکه در جایگاه دشمنی قرار دارد که با اصل هستی و چرایی جمهوری اسلامی مشکل دارد - بیان داشت که درگیری میان جمهوری اسلامی و آمریکا را نمی‌توان فقط در سطح اختلاف منافع‌های اقتصادی یا نزاع بر سر منابع طبیعی فروکاست.

به گفته وی، جمهوری اسلامی برای جبهه استکبار تنها به دلیل داشتن منابع و ظرفیت‌های مادی‌اش مسأله‌ساز نیست، بلکه از آن روی که به الگویی از استقلال، مقاومت، دین‌محوری و ایستادگی در برابر سلطه تبدیل شده، در کانون دشمنی واقع می‌شود.

او تصریح کرد که طرف مقابل، به دنبال آن است که این الگو را بی‌اثر سازد و جمهوری اسلامی را از توان گنش‌گری مستقل، قدرت بازدارندگی و قابلیت اثرگذاری منطقه‌ای و تمدنی تهی کند. از همین نظرگاه است که مذاکره، در گفتمان رهبری، فقط یک ابزار دیپلماتیک ساده شمرده نمی‌شود، بلکه باید در نسبت با هدف نهایی دشمن و منطق حاکم بر مطالبه‌گری او سنجیده شود.

سه‌گانه‌های مذاکره در گفتمان رهبری

یکی از مهم‌ترین محورهای این نشست، تبیین گزاره «سه‌گانه‌های مذاکره در گفتمان رهبری» بود؛ سخنان توضیح داد که مذاکره در این منظومه فکری، یک مفهوم بسیط و یک معنا نیست؛ بلکه بسته به موضوع، نیت طرف مقابل، چارچوب گفتگو و آثار مترتب بر آن، می‌تواند گونه‌ها و حکم‌های گوناگونی پیدا کند. از این‌رو، برای داوری درست درباره مذاکره، باید میان انواع آن تفکیک قائل شد:

نشست علمی با موضوع «مذاکره و آتش‌بس در گفتمان رهبری؛ از اصل حفظ نظام تا راهبرد وحدت و گنش‌گری مسئولانه» با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین صلح‌میرزایی، روز سه‌شنبه ۱۵ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵، در سالن جلسات «شهید امام خامنه‌ای» واقع در «مرکز تخصصی شهدای محراب» برگزار شد. در نشست یادشده، سخنران با رویکردی تبیینی و پایه‌ریزی‌شده بر پایه بازخوانی منظومه فکری رهبر شهید انقلاب، به بررسی جایگاه مذاکره، آتش‌بس، حفظ نظام، وحدت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری در گنش سیاسی و فرهنگی پرداخت.

در آغاز این جلسه، سخنران ضمن تأکید بر چارچوب اصلی بحث، تصریح کرد که گزاره‌ها و داده‌های این نشست را نباید تحلیل شخصی یا موضع‌گیری جناحی قلمداد کرد، بلکه هدف او بازگویی و آشکارسازی دیدگاه رهبر شهید انقلاب در این مسأله است.

همچنین وی توضیح داد که برای دانستن دقیق دیدگاه‌های رهبر شهید، نباید تنها به گفته‌های مستقیم و رسمی بسنده کرد؛ زیرا در بسیاری از موارد، دیدگاه رهبر شهید از راه‌های گوناگونی چون: مناسبت‌های نهادی، اشاره‌های غیرمستقیم و مسیرهای واسطه‌ای نیز قابل درک و پیگیری است. از این‌رو، برای شناخت بهتر «گفتمان رهبری» نیازمند ژرف‌اندیشی فراگیر بر پایه مجموعه‌ای از نشانه‌های همانند، دیدگاه‌ها و رفتارهای راهبردی خواهیم بود.

واژگان کلیدی: گنش‌گری مسئولانه، راهبرد وحدت، حفظ نظام، گفتمان رهبری، آتش‌بس، مذاکره.

پدیدارشناخت مسأله «مذاکره با جبهه استکبار»

حجت‌الاسلام والمسلمین صلح‌میرزایی در بخش نخست از سخنان خود، مسأله مذاکره را بر پایه گزاره «رویارویی جمهوری اسلامی با



۱. مذاکره یا ابزار حل مسأله

یک موضوع کوچک، گفتگو را آغاز می‌کند، اما هر امتیاز جدیدی را سکویی برای طرح خواسته‌های بعدی خود قرار می‌دهد. این فرایند در بیشتر گونه‌ها با پرونده‌ای خاص آغاز می‌شود، اما در موضوع همان پرونده متوقف نمی‌ماند، به طور مثال: درباره‌ی ایران ابتدا مسأله‌ی هسته‌ای را مطرح می‌کنند، سپس نوبت به موضوع‌هایی چون: موشکی، گروه‌های مقاومت، عمق راهبردی جمهوری اسلامی در منطقه و فرامنطقه و پس از آن به گفتمان‌های داخلی، اجتماعی و حقوق بشری می‌رسد. در این منطق، مذاکره به جای آنکه راهی برای پایان دشمنی باشد، خود به سازوکاری برای پایداری فشار و گسترش دایره‌ی خواسته‌ها تبدیل می‌شود. در این نوع از مذاکره، طرف مقابل نه تنها از جایگاهی برابر و منصفانه وارد نمی‌شود، بلکه مذاکره را به منزله‌ی ابزاری برای گرفتن «سرفصل‌های اقتدار جمهوری اسلامی» می‌شمرد، بنابراین هر عقب‌نشینی در این راه، نه به خشنودی طرف مقابل می‌انجامد و نه سبب پایان فشار می‌شود، بلکه فقط او را برای گام‌های بعدی خودش تشویق می‌کند. از این‌رو، در گفتمان رهبری، این مدل از مذاکره خطرناک تلقی می‌شود؛ زیرا به جای حل مسأله، کشور را در مسیر فرسایش تدریجی قرار می‌دهد.

۳. مذاکره یا پوششی برای نفوذ و تضعیف نظام

در نوع سوم، مذاکره از سطح امتیازگیری سیاسی نیز فراتر می‌رود و به پوششی برای نفوذ در لایه‌های عمیق‌تر و بدنه‌ی نظام اسلامی تبدیل می‌شود. در این سطح، مسأله فقط گرفتن امتیاز در یک پرونده‌ی خاص یا حتی وادار کردن جمهوری اسلامی ایران به عقب‌نشینی‌های مقطعی و فصلی نیست، بلکه هدف اثرگذاری بر بنیان‌های هویتی، حقوقی، فرهنگی و

در گونه‌ی نخست، مذاکره در جایگاه ابزاری عقلانی برای حل مسأله‌ای مشخص تعریف می‌شود. در این سطح، اصل گفت‌وگو -به خودی خود- بد نیست، بلکه اگر دو طرف به راستی در پی برطرف کردن اختلاف‌ها، کاستن از تنش و رسیدن به راه‌حلی عقلانی باشند، مذاکره می‌تواند یکی از شیوه‌های چاره‌جویانه‌ی سیاسی باشد. پس در چنین صورتی، مذاکره زمانی ارزشمند و قابل دفاع خواهد بود که حد و مرز آن روشن، موضوع آن مشخص و اراده‌ی واقعی برای حل مسأله در طرف مقابل وجود داشته باشد؛ البته ژخداد چنین وضعی، بستگی به راست‌گویی و راست‌کرداری و واقع‌گرایی طرف مقابل دارد؛ زیرا اگر مذاکره در ظاهر برای حل مسأله باشد، اما در باطن کارکردی متفاوت پیدا کند، دیگر نمی‌توان آن را گونه‌ای از این نوع گفت‌وگو دانست. بر همین اساس، در نگاه رهبری، اصل مذاکره به صورت انتزاعی نفی نمی‌شود، بلکه سخن در ماهیت واقعی مذاکره و نتیجه‌ی راهبردی آن است.

۲. مذاکره یا میدان امتیازگیری تدریجی

این مدل از مذاکره از دیدگاه رهبر شهید، همواره محل هشدار و حساسیت جدی بوده است. در اینجا مذاکره از شکل یک روند متوازن برای حل اختلاف خارج می‌شود و به میدان امتیازگیری تدریجی دشمن بدل می‌گردد؛ یعنی طرف مقابل در این مدل، از

مسئله تنها به این باز نمی‌گردد که آیا مذاکره در یک مقطع خاص مفید است یا نه؟ بلکه پرسش اصلی این است که آیا طرف مقابل اساساً با نیت حل مسئله پا به میدان گذاشته یا از مذاکره به عنوان ابزاری برای تحمیل و نفوذ استفاده می‌کند؟ اگر منطق حاکم بر مذاکره، منطق فشار مرحله به مرحله، افزایش خواسته‌های نابجا و تحمیل عقب‌نشینی باشد، آنگاه مذاکره نه تنها گره‌گشا نیست، بلکه خود می‌تواند به بستری برای تضعیف منفعت‌های ملی و امنیت کشور تبدیل شود.

وی در این زمینه با اشاره به برخی از نمونه‌ها و تجربه‌های تاریخی، خاطرنشان کرد که در موارد متعددی، خوش‌بینی به نیت طرف مقابل، نه تنها به حل مسئله نمی‌انجامد، بلکه زمینه را برای فشار بیشتر و مطالبه‌گری گسترده‌تر فراهم خواهد کرد. از همین رو، گفتمان رهبری در برابر مذاکراتی که در آن، طرف مقابل اهل «دب‌کردن» یا همان زیاده‌خواهی و عبور از توافق‌های نخست باشد، با بدبینی و راهبردی و احتیاط جدی مواجه می‌شود.

پذیرش آتش‌بس با نگاهداشت اقتدار و منفعت‌های راهبردی

در بخش دیگری از سخنرانی، مفهوم «آتش‌بس» نیز در ادامه همین گفته‌ها تحلیل شد. کارشناس نشست توضیح داد که آتش‌بس را نمی‌توان به صورت انتزاعی و بدون توجه به زمینه‌ها و پیامدهای آن ارزیابی کرد. اگر آتش‌بس در زمان و مکانی خاص، به عنوان چاره‌ای گذرا برای جلوگیری از فرسایش بیشتر، حفظ ظرفیت‌ها یا بازآرایی توان جبهه خودی قلمداد گردد، می‌تواند دارای معنا و کارکرد سیاسی و امنیتی باشد؛ اما اگر آتش‌بس به ابزار و مجالی برای بازسازی قدرت دشمن، سلب نوآوری از



ساختاری نظام است. در این روند، دامنه فشار از مسأله‌های امنیتی و سیاسی به حوزه‌های حقوق بشر، آزادی‌های اجتماعی، حقوق زنان، برخی جریان‌های اعتقادی و سبک‌های زندگی کشیده می‌شود، پس این نوع از مذاکره در پایان می‌تواند به دست‌درازی به ساختارهای تصمیم‌گیری و حتی مبناهای قانون‌گذاری دینی بینجامد. هنگامی که مذاکره چنین کارکردی پیدا کند، دیگر نمی‌توان آن را فقط ابزاری دیپلماتیک دانست، بلکه باید آن را بخشی از پروژه نفوذ و استحاله تدریجی نظام تلقی کرد. پس این نوع از مذاکره را نمی‌توان با اصل حفظ نظام سازگار دانست؛ زیرا هدف غایی آن، ربودن استقلال در تصمیم‌گیری، سست‌ساختن پایه‌های اقتدار و گشودن راه‌هایی برای دخالت در زمینه‌های بنیادین کشور خواهد بود. از همین رو، مخالفت با این سنخ از مذاکره، فقط یک موضع احساسی یا مقطعی نیست، بلکه برخاسته از فهمی راهبردی در برابر هدف‌های شوم دشمن و زیاده‌خواهی‌های اوست.

چرایی هشدارهای رهبر شهید در برابر گونه‌های دوم و سوم از مذاکره

حجت‌الاسلام والمسلمین صلح‌میرزایی در ادامه، چرایی مخالفت با این گونه از مذاکره را تشریح کرد. وی افزود:

باعث تشدید دوگانگی‌ها، سستی یکپارچگی مردمان و ایجاد فرصت برای سوءاستفاده دشمن می‌شود، پرهیز کنند.

این استاد حوزه همچنین یادآور شد که عقلانیت انقلابی، به معنای انفعال و کناره‌گیری از بستر جامعه و کنش‌های اجتماعی نیست، بلکه به معنای اقدام دقیق، زمان‌شناسانه و برپایه شناخت صحنه و هماهنگ با منفعت‌ها و مصلحت‌های راهبردی کشور و نظام است. از این نظرگاه، وحدت نه به معنای خاموش ساختن چراغ نقد، بلکه به معنای پرهیز از واگرایی‌های ویران‌کننده و حرکت در چارچوب هدف‌های سترگ انقلاب اسلامی است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی این نشست، می‌توان گفت که کارشناس نشست تلاش کرده با تکیه بر گفتمان رهبری، تصویری چندلایه از مسأله مذاکره و آتش‌بس ارائه کند. بر پایه این تبیین، مذاکره در تمام گونه‌های خود یکسان نیست؛ گاه می‌تواند ابزاری برای حل مسأله باشد؛ اما در صورت تبدیل شدن به میدان امتیازگیری تدریجی یا پوششی برای نفوذ و تضعیف نظام، نه تنها مفید نخواهد بود، بلکه به تهدیدی ویرانگر علیه منفعت‌ها و اقتدار ملی تبدیل می‌شود. در این چارچوب گفتمانی، اصل نگاهداشت نظام اسلامی، پاسداشت از سرفصل‌های اقتدار، مراقبت از استقلال در تصمیم‌گیری، حفظ انسجام و وحدت اجتماعی و گنشگری مسؤولانه، همگی به عنوان پایه‌های اصلی رویارویی درست با مسأله مذاکره و آتش‌بس مطرح شدند. از این‌رو، این نشست را می‌توان تلاشی در راستای بازخوانی عقلانیت راهبردی حاکم بر گفتمان رهبری در مواجهه با دشمن زیاده‌خواه، مدیریت بحران و صیانت از منفعت‌ها و مصلحت‌های بلندمدت انقلاب اسلامی دانست.

جبهه خودی یا تحمیل شرایط ناعادلانه تبدیل شود، دیگر نمی‌توان آن را به عنوان یک دستاورد راهبردی ارزیابی کرد.

در گفتمان رهبری، هرگونه تصمیم‌گیری درباره پذیرش آتش‌بس با دشمن نیز باید بر پایه معیارهایی چون: حفظ عزت و کرامت ملی، صیانت از اقتدار کشور، تأمین مصلحت‌های بلندمدت نظام و جلوگیری از نفوذ دشمن، سنجیده شود. به بیان دیگر، همان‌گونه که مذاکره نباید به ابزار استعاله تدریجی بدل شود، آتش‌بس نیز نباید به پوششی برای تضعیف جبهه انقلاب و از میان رفتن ظرفیت‌های مقاومت تبدیل گردد.

پاسداری از نظام، وحدت اجتماعی و گنش‌گری مسؤولانه

در بخش پایانی نشست، سخنران بحث خود را به نسبت میان این مسائل با اصل «حفظ نظام» و ضرورت «وحدت و گنش‌گری مسؤولانه» گسترش داد. او تأکید کرد که در گفتمان انقلاب اسلامی، حفظ نظام از مهم‌ترین واجبات است؛ اما این اصل، فقط به معنای پاسداری از ساختار رسمی قدرت نیست، بلکه دربرگیرنده حفظ انسجام اجتماعی، اعتماد عمومی، همدلی نیروهای مؤمن و انقلابی و جلوگیری از شکل‌گیری شکاف‌های فرساینده در درون جامعه نیز هست.

وی تصریح کرد که در شرایط سخت و پیچیده کنونی، نخبگان، طلاب، فعالان فرهنگی و نیروهای اجتماعی وظیفه دارند گنش خود را با مسؤولیت، بصیرت و ملاحظه مصلحت‌های کلان کشور تنظیم کنند.

به گفته او گنش‌گری مسؤولانه به این معناست که گروه‌ها و جریان‌های گوناگون، بکوشند با نگاهداشت روحیه مطالبه‌گری و حضور در صحنه‌ها، از هرگونه کنش‌هایی که

حدیث نشریه

قال رسول الله ﷺ:

مَنْ صَلَّى الْجُمُعَةَ كُتِبَتْ لَهُ حَجَّةٌ مَّتَقَبَلَةٌ، فَإِنْ صَلَّى الْعَصْرَ كَانَتْ لَهُ عُمْرَةٌ، فَإِنْ يُمَسِّي فِي مَكَانِهِ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ.

رسول خدا ﷺ فرمود:

هر کس نماز جمعه را به جا آورد، پاداش یک حج مقبول برای او نوشته می‌شود؛ و اگر نماز عصر را نیز بخواند، ثواب یک عمره برای او خواهد بود؛ و اگر تا شب در جای خود بماند، هر چه از خداوند درخواست کند، به او عطا خواهد شد.

کنز العمال، ۲/۸۶.



مرکز تخصصی
شهادت محراب

«آرمان گرایی را فراموش نکنید!»

آرمان‌ها چیست؟ رسیدن به جامعه عادل، جامعه آزاد، جامعه پیشرفته، جامعه مؤمن، جامعه متعبد، جامعه مرفه، جامعه متحد، جامعه قوی و مستحکم، جامعه مستقل؛ این‌ها آرمان است. ارزش دارد که انسان جانش را در راه این آرمان‌ها، برای خاطر خدا بدهد؛ برای همین آیه شریفه سورة نساء که:

«وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ
وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ»

این است دیگر؛ یعنی در راه نجات کشور، نجات مستضعفان، دستور قتال [صادر شده]. حالا البته آن آیه، آیه قتال است؛ این را توجه داشته باشند آن برادرمان که این آیه، آیه قتال است، آیه جهاد نیست؛ جهاد، چیزی است؛ قتال، چیز دیگری است؛ بینشان عموم و خصوص مطلق است. بنابراین، این مبنای اسلام است، این جهت‌گیری اسلام است. باید در راه این آرمان‌ها [حرکت کرد]. این آرمان‌هایی که گفتیم - یک چنین جامعه‌ای - هدف شما است.»

[بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان،

[۱۳۹۶/۳/۱۷]